

Land ownership and exploitation systems in the Nasrid period (the case of Lorestan)

Mohammad Dalvand^{*}, Mohammad Amir Ahmadzadeh^{}**

Mohsen Seraj^{*}, Mohammad Rahim Rabbanizadeh^{****}**

Abstract

The most important part of Iran's economy during the Nasri era was the land economy, because the most important part of the country's per capita income and the government's income were provided from this sector. In this article, land ownership in Lorestan and its changes according to the production methods that dominate the land economy of Lorestan. Nasri means the mode of economic production and capitalist mode of production as well as the conditions of production resulting from them in the land economy of this region have been examined by the method of historical study and an attempt has been made to answer this main question that the conditions of production and what was the ownership of the means of production in the land economy of Lorestan in the Nasrid era in both the mentioned production methods and which exploitation system was the dominant method of product distribution between the owner and the farmer? The results of the research It shows that in this region there were four types of ownership (tribal, private, khalsa and waqfi) in which the predominant method

* Phd student of History, Institute of humanities and cultural studies, Tehran, Iran (Corresponding Author),
mo.dalvand1440@gmail.com

** Associated professor of History, Institute of humanities and cultural studies, Tehran, Iran,
ahmadzadeamir20@yahoo.com

*** Assistant professor of History, Imam Khomeini Research institute, Tehran, Iran, serajmilad@yahoo.com

**** Assistant professor of History, Institute of humanities and cultural studies, Tehran, Iran,
Rabbanizadeh@ihcs.ac.ir

Date received: 2023/02/26, Date of acceptance: 2023/06/26



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۱۰۲ تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

of exploitation was in the case of farm production (shareholding) and this exploitation system is the most important factor in preventing the possibility of The growth and development of production forces has been in the region.

Keywords: land ownership, Lorestan, exploitation system, factors of production, Naseri era.



مالکیت ارضی و نظام‌های بهره‌برداری در عهد ناصری (نمونه موردی لرستان)^۱

محمد دالوند*

محمدامیر احمدزاده**، محسن سراج***، محمدرحیم ربانی‌زاده****

چکیده

مهم‌ترین بخش اقتصاد ایران در عهد ناصری، اقتصاد ارضی بود زیرا مهم‌ترین بخش درآمد سرانه کشور و درآمدهای دولت از این بخش تأمین می‌شد. در این مقاله مالکیت ارضی در لرستان و تغییرات آن با توجه به شیوه‌های تولید حاکم بر اقتصاد ارضی لرستان عهد ناصری یعنی شیوه تولید معیشتی و شیوه تولید سرمایه‌دارانه و همچنین مناسبات تولید برآمده از آنها در اقتصاد ارضی این منطقه به شیوه مطالعه تاریخی بررسی شده است و تلاش شده به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که مناسبات تولید و مالکیت بر وسایل تولید در اقتصاد ارضی لرستان در عصر ناصری در هر دو شیوه تولید ذکر شده به چه شکل بوده و کدام نظام بهره‌برداری، شیوه‌ی غالب توزیع محصول بین مالک و زارع بوده است؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در این منطقه چهار نوع مالکیت (قبیله‌ای، خصوصی، خالصه و وقفی) وجود داشت که شیوه غالب بهره‌برداری در آنها مناسبات تولید

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، mo.dalvand1440@gmail.com

** دانشیار، گروه تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، ahmadzadeamir20@yahoo.com

*** استادیار، گروه تاریخ، پژوهشکده امام خمینی (ره)، تهران، ایران، serajmilad@yahoo.com

**** استادیار، گروه تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، Rabbanizadeh@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵



مزارعه (سه‌م‌بری) بود و همین نظام بهره‌برداری مهم‌ترین عامل در جلوگیری از امکان رشد و توسعه نیروهای تولید در منطقه بوده است.

کلیدواژه‌ها: مالکیت ارضی، لرستان، نظام بهره‌برداری، عوامل تولید، عهد ناصری.

۱. مقدمه

نظام بهره‌برداری، نحوه‌ی برداشت محصول از زمین با استفاده از شیوه‌های معین و فناوری مشخصی است که دارای سطح معینی از توسعه بوده و در چارچوب یک رشته روابط حقوقی میان افراد در قالب یک نظام تقسیم کار برای دریافت سهمی از محصول در مقابل کار یا سرمایه مشخص می‌شود (از کیا ۱۳۶۱: ۱۶۵). در نظام بهره‌برداری روابط بین انسانها بر پایه‌ی مبانی محلی (عرف و سنت) و یا مبانی حقوقی (شرع یا قانون) تعیین می‌شود. به طور کلی این نظام منعکس‌کننده‌ی عناصری چون مالکیت و رابطه‌ی انسانها با موضوع کار و ابزار تولید، سطح فناوری و رابطه انسانها با طبیعت است (تقوی ۱۳۸۱: ۱۱۰). مهم‌ترین نظام بهره‌برداری، مناسبات تولید است که شامل رابطه مالکیت (رابطه افراد با یکدیگر در ارتباط با وسایل تولید و محصول کار)، مبادله، توزیع، مصرف و موقعیت افراد و گروهها در جریان تولید است (سوداگر ۲۵۳۶: ۵۲؛ نعمانی ۱۳۵۸: ۲۷). روابط تولید ممکن است به شکل همکاری و مساعدت متقابل بین افرادی فارغ از بهره‌کشی یا به شکل استثمار انسان به وسیله انسان باشد که بستگی به این که چه کسی یا کسانی مالک وسایل تولید باشند، دارد؛ افزون بر آن، رابطه افراد با وسایل تولید، موقعیت و موضع آنها در تولید و روش‌های توزیع، فرآورده‌های کار را تعیین می‌کند (نیکی تین ۱۴۰۱: ۱۳). مسأله اصلی این پژوهش تبیین و فهم نظام بهره‌برداری و مناسبات تولید در اقتصاد ارضی لرستان و تغییرات آن در دوره ناصری است و در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که در فرایند تغییرات مالکیت ارضی لرستان در عهد ناصری در اثر آغاز تجاری‌شدن کشاورزی در ایران، نظام بهره‌برداری مسلط در شیوه‌های تولید حاکم در این منطقه چه بود و از نظر توسعه و پیشرفت نیروهای تولید چه روندی داشت؟

فرضیه‌ای که ما در این پژوهش دنبال کردیم این بود که مناسبات تولید مزارعه با اشکال مختلف آن (سه‌کوت، نصفه‌کاری، چهار یک و ..)، نظام بهره‌برداری غالب در هر دو شیوه تولید (معیشتی و سرمایه‌دارانه) در اقتصاد ارضی و اراضی اربابی و خالصه - که قسمت اعظم مالکیت ارضی در لرستان را شامل می‌شد - را دربر می‌گرفت و با توجه به ویژگی‌های ذاتی این نظام که منجر به وابستگی رعیت به ارباب یا دولت و جدا شدن هرچه بیشتر او از ابزار

تولید می‌شد، نتیجه‌ی واردشدن نیروی کار به این نظام بهره‌برداری پیامدی جز واگذارنمودن بخش مهمی از تولید و دسترنج خویش به صاحبان زمین و آب (اریاب یا دولت) برای نیروی‌کار نداشته و عملاً امکان پیشرفت و توسعه نیروهای تولید (وسایل تولید و افراد مولد) در مزارعه یا نظام سهم‌بری مسدود بود.

در این پژوهش، با روش تاریخی اطلاعات و داده‌های موردارتباط با مسأله پژوهش از منابع شناسایی و گردآوری شده و براساس سؤالات مطرح تجزیه و تحلیل گردیده است. در مرحله بعد چگونگی و تبیین اشکال مالکیت در لرستان و نظام‌های بهره‌برداری از آنها مورد بررسی قرار گرفته و فرضیه پژوهش به بوته آزمایش نهاده شده است.

۱.۱ پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون هیچ اثری به موضوع «مالکیت ارضی و نظام بهره‌برداری از آن در عهد ناصری در لرستان» پرداخته است. اما درباره موضوع این پژوهش در سطح کلان تحقیقات زیادی انجام شده است. به عنوان نمونه: کتاب «مالک و زارع در ایران» تألیف لمبتون (۱۳۶۲) به سیر مالکیت از استیلای اعراب مسلمان بر ایران تا نخستین سالهای سلطنت محمدرضاشاه پهلوی پرداخته است. مناسبات تولید بین مالک و زارع همچون مزارعه و اجاره‌داری، بیگاری و موارد دیگر از موضوعاتی است که لمبتون به تبیین آنها همت گماشته است. کتاب «نظام اریاب رعیتی در ایران» اثر محمد سوداگر (۲۵۳۶) مالکیت زمین، بهره مالکانه، مزارعه، تحلیل روابط اریاب رعیتی و تأثیر آن بر کشاورزی را مد نظر خویش قرار داده است. کتاب «مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران» تألیف باقر مؤمنی (۱۳۵۹) به اقتصاد ارضی ایران و مناسبات تولید قبل از اصلاحات ارضی تا پایان اصلاحات ارضی می‌پردازد. کتاب «نظام اریاب غایب در ایران» نوشته حمید عبداللهیان (۱۳۹۲) است که در آن نویسنده افزون بر نقد فرضیه دولت خودکامه در ایران پیشاسرمایه‌داری، مهم‌ترین عامل توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران را در خروج مازاد تولید از روستا به شهر می‌داند. «تاریخ اقتصادی ایران» اثر چارلز عیسوی (۱۳۶۲) جامع‌ترین اثر در حوزه تاریخ اقتصادی دوره قاجار است که یکی از فصل‌های آن درباره اقتصاد ارضی می‌باشد. کتابهای «اقتصاد ایران در قرن نوزدهم» (۱۳۷۳) و «قرن گمشده» (۱۳۸۷) تألیف احمد سیف نیز به موضوعاتی چون کشاورزی، وضعیت دهقانان، تولید و تجارت ابریشم، تجاری شدن کشاورزی و تجارت خارجی پرداخته‌اند. از تحقیقات اخیر نیز که در غرب کشور نگارش یافته می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

حمید عبداللهیان و سروه فتاحی (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان «تحلیل مقایسه ای نظام بهره‌برداری از زمین در کردستان و نظام بهره‌برداری گروهی...» با رد واحد بهره‌برداری بنه به‌عنوان یکی از مصادیق مزارعه، کردستان را خارج از محدوده بنه‌ها ذکر کرده و توزیع مازاد تولید در این منطقه را عادلانه‌تر از نظام توزیع بنه‌ها دانسته‌اند. «مالکیت ارضی در کرمانشاه (دوره پهلوی اول)» که توسط شایان کرمی و داریوش رحمانیان (۱۳۹۸) به نگارش درآمده است پس از ذکر عواملی چون فروپاشی نظام ایلی، زور، نظام ارباب رعیتی مدرن و کشاورزی در شکل‌گیری املاک سلطنتی در کرمانشاه به تحلیل پیامدهای ناشی از این املاک در این منطقه می‌پردازد. شیوا محمدی و مظهر ادوای (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تبیین روابط متقابل مباشران و مالکان کردستان در دوره قاجار و پهلوی اول با استفاده از اسناد خاندان وزیری» پرداخته‌اند که مهم‌ترین مسائل اجتماعی مورد بحث در آن، مهاجرت رعایا، ناامنی، استخدام و شرایط کار و زندگی، مالیات و حقوق مالکی است. در مقاله سیاوش یاری و شایان کرمی (۱۳۹۹) تحت عنوان «نقش عوامل اقتصادی در اسکان غرب ایران (۱۳۲۰-۱۳۰۰)» نیز با بهره‌گیری از روش گراند تئوری پس از بیان مقوله‌های شرایط علی از جمله نظام ارباب‌رعیتی مدرن، وصول مالیات و رونق کشاورزی به راهبردهای دولت رضاشاه جهت اسکان عشایر در سه منطقه کرمانشاه، ایلام و لرستان می‌پردازد. ما از کلیات دستاوردهای این پژوهشگران در این پژوهش استفاده نموده‌ایم زیرا اطلاعات مفیدی را درباره نظام زمین‌داری در برابر خوانندگان قرار می‌دهند ولی در هیچ یک از پژوهش‌های فوق‌بحثی بسنده درباره نظام بهره‌برداری به ویژه مناسبات تولید در اقتصاد ارضی لرستان در عهد ناصری وجود ندارد. پژوهشگران یاد شده یا در سطح کلان به این موضوع پرداخته‌اند و یا در حاشیه دیگر رویدادها از آن سخن گفته‌اند و اقتصاد ارضی لرستان محور بحث آنها نبوده است از این رو لازم است مطالعه جدیدی صورت بگیرد که در مقاله حاضر تلاش‌هایی در این زمینه انجام شده است. بنابراین نوآوری این پژوهش آن است که به طور خاص به مسأله مناسبات تولید و تأثیر آن بر توسعه‌نیافتگی در منطقه می‌پردازد.

۲.۱ طرح یک چهارچوب مفهومی

در این پژوهش شیوه تولید در مالکیت ارضی ایران در دوره ناصری و همچنین مفاهیم کلیدی وابسته به آن به دو شکل مشخص: «شیوه تولید معیشتی» و «شیوه تولید سرمایه‌دارانه» از یک‌دیگر متمایز شده و تلاش گردیده است، مناسبات تولید حاکم بر هر یک از این دو شیوه

تولید - خصوصاً در اقتصاد ارضی لرستان - مورد شرح و تفسیر قرار گیرد و مسأله اصلی پژوهش که معطوف بر تحلیل و تفسیر عوامل مؤثر بر توسعه‌نیافتگی اقتصاد ارضی لرستان در فاصله زمانی مورد مطالعه است، از پنجره نتایج فهم این مناسبات تولید و تغییرات و تطورات آن بررسی گردد.

شایان ذکر است که بر اساس شواهد تاریخی، با گسترش نظام جهانی سرمایه غرب، کشور ایران نیز در این مقطع تاریخی به طور اجتناب‌ناپذیری در پیوند با این نظام اقتصادی جهان‌شمول قرار گرفت و در واقع با پذیرفتن نقش صدور مواد خام کشاورزی خویش، به پیرامون این نظام به مرکزیت کشورهای صنعتی غربی کشانده شد. از این رو در مقطع زمانی مورد مطالعه این پژوهش هم شیوه تولید پیشاسرمایه‌داری (معیشتی) و مناسبات معهود حاکم بر آن در اقتصاد ارضی لرستان برقرار بود و هم شاهد ظهور و تداوم شیوه تولید سرمایه‌دارانه در لرستان می‌باشیم که بالاجبار ما را برای تحلیل دقیق‌تر از تطورات این اقتصاد ارضی به شناخت و توجه به روند تطورات و تغییرات هر دو شیوه تولید ذکر شده و شاخص‌های اصلی آن در این پژوهش کشانید. در ادامه برخی از کلیدی‌ترین مفاهیم مورد استفاده در این پژوهش توضیح داده می‌شود:

شیوه تولید: مجموعه‌ای از فعالیت‌های انسانی در رابطه با استفاده از طبیعت برای تولید یا استخراج لوازم مورد نیاز زندگی یا ساخت کالا گفته می‌شود که با شکل دادن به مناسبات اجتماعی و اقتصادی مخصوص به خود امکان رشد نیروهای تولیدی را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر این مفهوم واجد یک تمامیت تاریخی است که شکل زندگی اقتصادی و تولید مادی جامعه را مشخص می‌کند. از نظر مارکس انسان‌ها در تولید اجتماعی حیات خویش وارد روابط معینی می‌شوند که ضروری و مستقل از اراده‌ی آنهاست یعنی روابط یا مناسبات تولیدی‌ای که با مرحله‌ی معینی از توسعه نیروهای تولیدی مطابقت دارد؛ جمع کل این روابط تولیدی، ساختار اقتصادی جامعه یعنی شالوده‌ی حقیقی‌ای را تشکیل می‌دهد که روی آن یک روبنای حقوقی و سیاسی برپا می‌شود. (احمدی ۱۳۹۱: ۱۸۲-۱۸۱؛ کوهن ۱۳۸۱: ۹۸) شیوه تولید از دو رکن مناسبات تولید و نیروهای تولید تشکیل شده است که گرچه از یک‌دیگر جدا هستند ولی بر یکدیگر اثر نموده و در فرایند بهبود تولید هر دو تکامل می‌یابند.

شیوه تولید معیشتی: در این شیوه تولیدی تمام تولید جنسی بوده نه کالایی. یعنی بخش اصلی فرآورده‌ها به منظور مصرف خانوارها تولید می‌شود نه برای مبادله. (نک: نعمانی ۱۳۵۸: ۲۹؛ نیکی تین ۱۴۰۰: ۳۵-۳۴)

شیوه تولید سرمایه‌دارانه: در این شیوه، تولید به منظور انجام مبادله است و محصول شکل کالایی به خود می‌گیرد. تمامی وسایل تولید در این وجه از تولید در مالکیت بخش خاصی از جامعه یعنی سرمایه‌داران است و بقیه افراد تنها می‌توانند نیروی کار خود را در بازار عرضه دارند. در شیوه تولید سرمایه‌داری دو گروه از افراد در فرایند تولید نقش دارند: از یک‌سو صاحبان سرمایه، وسایل تولید و وسایل معیشت که خواهان حفظ و افزایش ارزش‌هایی هستند که با کار دیگران کسب می‌کنند و هدفشان از تولید، مبادله می‌باشد و از سوی دیگر کارگران آزاد یا فروشندگان نیروی کار که تنها مزد کار خویش را دریافت کرده و سهمی از کالای تولیدی یا حضور در بازار مبادله ندارند. (نعمانی: همان؛ صبوری ۱۳۷۹: ۴۳-۴۲)

مناسبات (روابط) تولید: روابط بین انسان‌ها در روند تولید، توزیع و مبادله‌ی ثروت تولید شده را روابط یا مناسبات تولید می‌گویند. این مناسبات ممکن است به شکل همکاری و مساعدت متقابل بین مردمی فارغ از استثمار یا به شکل استثمار انسان به وسیله‌ی انسان دیگر متبلور گردد و این امر به نوبه‌ی خود بستگی تام و تمامی به نحوه مالکیت ابزار تولید دارد. (نیک‌تین ۱۴۰۰: ۱۳)

نیروهای تولیدی: انسانها برای تولید در هر شیوه تولیدی احتیاج به ساخت یا در اختیار گرفتن ابزار تولید دارند و مارکس این ابزارها را «نیروهای مادی تولید» می‌نامد و نوع تصاحب این ابزار مهمترین بخش در ساخت مناسبات تولید در هر شیوه تولیدی می‌باشد. (استنفورد ۱۳۹۳: ۴۱۳)

با نظر به مطالب گفته شده، اقتصاد ارضی در لرستان را می‌توان براساس دو گونه معیشت حاکم در منطقه که به کشاورزی معیشتی و کشاورزی تجاری قابل تفکیک است، در این چهارچوب مفهومی صورت‌بندی نمود به طوری که کشاورزی معیشتی، هدف عمده‌اش تأمین اقلام غذایی مورد نیاز خانوار بود و کشاورزی تجاری به دنبال تولید محصولات نقدینه‌آفرین برای صدور به خارج از منطقه یا کشور. در وجه تولید نخست که معیشت غالب در میان مناطق مسکون منطقه بود، در املاک خصوصی و خالصه که به ترتیب مقیاس بیشتری از اراضی قابل‌کشت را در بر می‌گرفتند، شیوه توزیع و تقسیم محصول بر پایه مناسبات مزارعه (در اشکال مختلف سه‌کوت، نصفه‌کاری، یک‌چهارم، یا چهار یک‌داری) بود. نوع دوم مناسبات بنه‌بندی یا مشاع بود که به مراتب در سطح پایین‌تری نسبت به مزارعه در املاک فوق‌مورد استفاده طرفین (رعیت و ارباب) در فرایند تولید قرار می‌گرفت. در این شیوه افزون بر تقسیم محصولات

براساس مناسبات گفته‌شده بخش‌هایی از محصول نیز به عنوان سهم مالیات و افرادی که به هر نحوی در روستا خدماتی ارائه نموده بودند، واگذار می‌شد.

در وجه دوم تولید، در املاک خصوصی، خالصه و در بعضی موارد هم در املاک وقفی، کشت محصولات تجاری چون تریاک، پنبه و توتون و تنباکو به منظور کسب سود بیشتر برای صاحبان وسایل تولید بود؛ از این رو مالکان یا قشر ارباب - تاجری بودند که در این فاصله زمانی به خرید زمین روی آورده بودند و به منظور بهره‌برداری هرچه بیشتر از این املاک در کنار مناسبات مزارعه به کار مزدوری و یا استفاده از کارگران روزمزد نیز روی آوردند.

۲. جغرافیای تاریخی لرستان

لرستان در جنوب غربی ایران واقع شده است. در دوره مغول عناوین «لر بزرگ» و «لر کوچک» تقریباً همه‌ی سرزمین‌هایی را که طوایف لر در آنها می‌زیستند، در بر می‌گرفت؛ لر کوچک - که شامل شهرهای بروجرد، خرم‌آباد و شاپورخواست می‌شد - در قرن هشتم بخشی از ایالت جبال به شمار می‌رفت ولی از این زمان به بعد لرستان نامیده شد، در قرن سیزدهم با روی کار آمدن قاجارها به ویژه در عهد فتح‌علی‌شاه، دربار قاجار، لرستان پیشکوه (واقع در مشرق کبیر کوه) را از پشتکوه (مغرب کبیر کوه) جدا ساخت: پشتکوه را به سلسله محلی والیان لرستان سپرد و پیشکوه را به شاهزادگان قاجاری داد. (لسترنج ۱۳۳۷: ۲۱۶؛ مینورسکی ۱۳۷۸: ۱۰؛ دالوند ۱۳۸۸: ۶۶) این دو منطقه به وسیله‌ی دیواره‌ی گور یا کبیرکوه و رود سیمره از یکدیگر جدا می‌شوند؛ پیشکوه (لرستان فعلی) نیز خود به دو قسمت کوه نشین و دشت نشین تقسیم می‌شود (بهرامی ۱۳۸۸: ۱۴) بخش کوه نشین شامل یک دیواره‌ای از کوه‌های مرتفع و کم ارتفاع از زاگرس مرکزی است که از شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده‌اند؛ در عهد قاجار در دامنه‌های این کوه‌های سربه فلک کشیده به مناطق اسقرارگاهی‌ای بر می‌خوریم به طوری که در دامنه‌های کوه گرو به جلگه‌های کم عرض و دشت‌های میان کوهی باریکی چون هرو، الشتر و خاوه می‌توان اشاره نمود (مجد ۱۴۰۰: ۷۰، ۸۸) که با دو مدل معیشت کوچ‌روی و یکجانشینی امرار معاش می‌نمودند.

در منابع عهد قاجار از بخش دشت نشین، تحت عنوان «ولایت بروجرد» یاد شده که به پنج قسمت (بروجرد، سیلاخور علیا، سیلاخور سفلی، جاپلق و بختیاری) تقسیم می‌شد. (همان: ۳۸) به استثنای منطقه بختیاری (با مرکزیت الیگودرز) و جاپلق دیگر بخش‌های این منطقه در دشت سیلاخور واقع شده‌اند و مدل معیشتی غالب آنها یکجانشینی بود.

۳. مالکیت ارضی در لرستان قبل از عهد ناصری

پیش از برآمدن قاجارها حکومت لرستان در دست سلسله محلی «والیان» بود؛ دوره فرمانروایی آخرین فرمانروای این دودمان (علی مردان خان بن حسین خان)، در لرستان مقارن با عهد شاه سلطان حسین صفوی، شورش افغانه و سلطنت نادر است. (والی زاده معجزی ۱۳۸۹: ۳۱۲)

مالکیت ارضی در دوره وی شامل مالکیت خصوصی، خالصه و وقفی بود: خرید و فروش املاک خصوصی در این دوره حاکی از توجه به مالکیت خصوصی در عهد این حاکم محلی است به طوری که طبق سندی از سال ۱۱۲۱ق فردی به نام محمد تقی بگ - از طایفه فقیر - از میر عبدی بگ ساکی در منطقه شیرخانی (از توابع منطقه آبستان در شرق خرم آباد) زمینی با معین نمودن حدود اربعه خریداری نمود یا در سندی دیگر از فروش املاک زراعی وسیعی در سال ۱۱۶۵ق در منطقه ویسیان (در جنوب خرم آباد) خبر می‌دهد که متعلق به تیره محمودوند - از طایفه جودکی - بوده و فرزندان کدخدا شه‌کرم چگنی آن را خریداری کرده‌اند. (محمود میرزا، سند خرید ملک ۱۴۰۰: ۳۴۰-۳۳۶) اعطای زمین زراعی به عنوان تیول جهت امرار معاش به سادات روحانی و علمای دینی نیز مرسوم بود به گونه‌ای که در عهد علی‌مردان‌خان چندین پارچه آبادی از روستاهای حاصل‌خیز نزدیک به شهر خرم‌آباد به دو تن از سادات روحانی (میر سیدعلی و میر سیدحسن جزایری از علمای مهاجر شوشتر به خرم‌آباد) داده شد و میر سیدصادق جزایری هم متولی املاک وقفی خرم‌آباد بود که این املاک را از طریق مباشران خود اداره می‌نمود. (والی زاده معجزی ۱۳۸۹: ۴۴۹-۴۴۸) از شیوه بهره‌برداری در این مالکیت‌ها اطلاع چندانی نداریم به نظر می‌رسد مناسبات مزارعه و اجاره‌داری از نظام‌های بهره‌برداری در این دوره بوده‌اند زیرا فرزندان این والی در دوره‌های بعد از این نظام‌های بهره‌برداری در املاک خود استفاده کرده‌اند.

اقتصاد ارضی لرستان و مالکیت زمین در دوره والیان با اوایل عهد قاجار نیز تغییر چندانی با قبل نداشت از این رو اقتصاد ارضی لرستان و مناسبات تولید حاکم بر آن در عهد فتح‌علی‌شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲ق) نیز بر مدار زمین و تنوع مالکیت عبارت بود از: مالکیت خصوصی، خالصه، وقفی و عشایری. از مالکان خصوصی این دوره فرزندان علی‌مردان‌خان والی را می‌توان نام برد. (کمام، اسناد خاندان والی‌زاده، شماره کارتن: ۴۵۷) که تقسیم محصول در املاک آنها بر اساس مزارعه (تقسیم محصول برپایه عوامل پنج‌گانه‌ی تولید) و از نوع سه کوت استوار بود؛ یعنی یک سهم از محصول به مالک می‌رسید و دو سهم از آن رعیت بود (همان) به‌نظر می‌رسد رعیت ملک اربابی افزون بر نیروی کار و گاو، صاحب بذر نیز بوده است.

املاک خالصه در لرستان در عهد فتحعلی‌شاه بیشتر به روحانیون و صاحب‌منصبان دولتی واگذار می‌شد. ملانورعلی مجتهد مازندرانی املاکی را از محمدعلی میرزا دولتشاه به عنوان تیول گرفت؛ میرزا محسن قاضی (قاضی القضاات خرم‌آباد) نیز مقارن حکومت محمدحسین میرزا حشمت‌الدوله (۱۲۵۰-۱۲۴۵ق) املاک خالصه‌ی وسیعی را در روستاهای گیلوران علیا و گیلوران سفلی در خرم‌آباد به عنوان تیول دریافت نمود؛ از مالکیت وقفی این دوره نیز باید از وقف املاکی در منطقه شوراب و اسفنگری- در جنوب خرم‌آباد - یاد کرد که در سال ۱۲۲۱ق توسط آقا مهدی بیگ (از نزدیکان حسن خان والی لرستان در منطقه پشتکوه) وقف سادات خرم‌آباد شد. (والی‌زاده معجزی ۱۳۸۹: ۴۴۳؛ ستوده، سواد وقفنامه املاک ۱۴۰۰: ۱۹۳/۲) به‌نظر می‌رسد نظام بهره‌برداری در املاک خالصه، مزارعه و اجاره‌داری بود. از سوی دیگر تیول‌داران یا در ازای دریافت سهمی از محصول زمین را به رعایا واگذار می‌کردند و یا آن را در قبال دریافت اجاره جنسی به زارعان یا صاحبان سرمایه اجاره می‌دادند؛ در املاک وقفی نیز متولی وقف، اجاره‌دار زمین بود.

در این دوره مالکیت عشایری در دست سران ایلات بود: بر اساس اسناد موجود در جمادی‌الاول سال ۱۲۲۸ق املاک و اراضی ایل پاپی به دلیل اختلاف بین خوانین و تیره‌های طایفه از منطقه گرمسیر تا بیلاق با مشورت کدخدایان و ریش‌سفیدان بین دو تن از خوانین ایل پاپی به نام‌های پاپی یوسف‌خان و پاپی باقرخان تقسیم شد. (پاپی بالاگریوه، قرارداد تقسیم اراضی ایل پاپی ۱۳۹۶: ۱۸۵) اگرچه ایلات و عشایر حق استفاده از این اراضی را داشتند ولی زمام این املاک در دست خوانین محلی بود و بهره‌برداری از مراتع احتمالاً با قیودات و تحمیلاتی (مانند مالیات علف چر) از سوی آنها بر رعایا همراه بود.

در دوره محمدشاه نیز تغییری در مالکیت‌ها به وجود نیامد از این رو در این دوره نیز شاهد مالکیت‌های پیشین در لرستان هستیم و از مالکان خصوصی این دوره می‌توان خوانین دالوند- تیره جشنیان- در منطقه هرو و حسین‌خان ساکی - رئیس ایل ساکی در عهد فتح‌علی‌شاه و محمدشاه- را در منطقه آبستان به عنوان اربابان بزرگ زمین‌دار نام برد. املاک حسین‌خان ساکی از گردنه زاغه تا روستای تجره در شرق خرم‌آباد (به فاصله بیست کیلومتر) امتداد داشت. (اسناد جلال دالوند؛ والی‌زاده معجزی، ۱۳۹۶: ۳۰۳) در موسم کوچ ایلات هرو، عبور احشام از املاک حسین‌خان امری حتمی بود، از این رو آنها مجبور بودند مالیاتی تحت عنوان «علف چر» به وی پرداخت نمایند. (والی‌زاده معجزی ۱۳۹۶: ۳۰۶) از املاک خالصه می‌توان خالصه‌های حوالی خرم‌آباد، طرهان، کوه‌دشت و بروجرد را ذکر نمود؛ برخی از خوانین هفت‌لنگ بختیاری

در بُرُود (از مناطق جاپلق) نیز اراضی خالصه را اجاره نموده و یا در بسیاری از مواقع با قرارداد تعدادی سرباز بنیچه در اختیار حکومت مرکزی و اشغال مناصب نظامی، دهات و املاکی را به عنوان تیول از دولت دریافت می‌کردند. (راولینسون ۱۳۹۸: ۱۳۶؛ بهرامی ۱۳۳۰: ۱۴۷؛ دوبد ۱۳۸۸: ۳۰۳؛ گارثویت ۱۳۷۳: ۱۰۲) گرچه در منابع از املاک وقفی در این دوره ذکری نرفته است ولی با توجه به وجود سادات، زیارتگاهها و اماکن متبرکه در لرستان، مطمئناً وقف املاک در این دوره مانند دوره قبل وجود داشت. افزون بر مالکیت‌های یاد شده، مالکیت عشایری نیز تداوم داشت زیرا در این دوره از سیلاخور، بربرود و جاپلق به عنوان مناطق بیلاقی طوایف هفت‌لنگ بختیاری یاد شده است (دوبد ۱۳۸۸: ۲۹۹) که مالکیت آنها در دست خوانین بختیاری بود و عشایر می‌توانستند تحت نظر آنها از مراتع غنی این مناطق در فصل بهار استفاده کنند.

۴. اقسام مالکیت زمین در عهد ناصری

می‌توان اقسام مالکیت بر زمین - به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار تولید - در اقتصاد ارضی مناطق اسکان یافته و یا نیمه‌اسکان یافته لرستان در عصر ناصری را به اشکال زیر دسته‌بندی نمود:

۱.۴ مالکیت عشایری

در این نوع مالکیت که تحت عنوان «مالکیت قبیله‌ای» یا اشتراکی نیز شناخته شده است، مراتع و در بسیاری از موارد، اراضی کشاورزی به کل جامعه عشایری تعلق داشت و اعضاء تحت شرایط معینی حق استفاده از آنها را داشتند. (مؤمنی ۱۳۵۹: ۳۱؛ رک سوداگر ۲۵۳۶: ۵۵) در نظام سنتی - اجتماعی کوچ‌نشینان لر نیز همین قاعده برقرار بود اما در موارد زیادی نیز مالکیت از آن دودمان رهبران (خوانین) بود. (امان‌الهی بهاروند ۱۳۶۷: ۷۵) تعرض ایلات و عشایر به قلمرو یکدیگر و غصب اراضی طوایف ضعیف یکی از علل تغییر مالکیت‌ها در حیات مادی کوچ‌نشینان بود که نزاعها و اختلافاتی را بین عشایر لرستان در اغلب موارد بر سر مالکیت مراتع در پی داشت. (وقایع‌الاتفایه ۱۲۷۱: ۱۴۱۸/۲) به عنوان نمونه؛ منطقه آبستان - واقع در شرق لرستان - که در عهد محمدشاه قاجار متعلق به حسین‌خان ساکی و ایل وی بود، در دوره ناصری به تصرف سگوندها درآمد. سگوندها همچنین در سال ۱۲۶۴ق املاک و اراضی طایفه پاپی را به تصرف خود درآوردند. (والی‌زاده معجزی ۱۳۹۶: ۲۱۰؛ پاپی بالاگریوه،

مالکیت ارضی و نظام‌های بهره‌برداری ... (محمد دالوند و دیگران) ۱۱۳

یادداشت آفاخان پابی، ۱۳۹۶: ۱۸۸) ناگفته نماند در املاک عشایری، گسترش مراتع به منظور تعلیف دام ارجحیت تام داشت ولی باین‌حال ظن قوی این است که عشایر در این املاک جهت امرار معاش خود نیز به قدر نیاز سالانه خود به کشت غلات می‌پرداختند.

۲.۴ مالکیت خصوصی

مالکیت خصوصی از طریق ارث، خریداری ملک، اهداء و احیاء زمین‌های بایر بدست می‌آمد؛ مالکان آنها تا زمانی که عوارض معمول زمین (مالیات) را پرداخت می‌کردند از مصونیت برخوردار بودند در غیر این صورت ملک آنها ضبط و خالصه می‌شد. (کرزن ۱۳۷۳: ۵۸۳/۲؛ دالمانی ۱۳۷۸: ۹۰/۱) مالکیت خصوصی زمین را می‌توان به اربابی و خرده‌مالکی تقسیم نمود:

۱.۲.۴ اراضی اربابی

در اسناد به‌جا مانده از عهد ناصری از خرید و فروش املاک خصوصی به اربابان زمین‌دار شواهدی در دست است که بیانگر توسعه املاک اربابی در این دوره است که به احتمال زیاد دلیل اصلی آن گسترش کشاورزی تجاری در این دوره می‌باشد. به عنوان نمونه می‌توان به خرید املاکی در منطقه چگنی (بخشی از دره خرم‌آباد) در سال ۱۲۹۰ ق توسط اسدخان والی‌زاده - از خوانین منطقه - و خرید اراضی روستای نمکلان - واقع در هروی شمالی - توسط یکی از روحانیون اشاره نمود. (مؤمنی ۱۳۸۷: ۳۷۹؛ والی‌زاده معجزی ۱۳۸۹: ۳۶۹) که به نظر می‌رسد املاک خریداری شده متعلق به خرده‌مالکین منطقه بوده است.

خوانین دالوند در دو منطقه هرو و سیلاخور، خوانین فولادوند در الیگودرز، گودرزی‌ها، یاراحمدی‌ها و سادات طباطبایی در منطقه سیلاخور و بروجرد از اربابان زمین‌دار منطقه در عهد ناصری بودند. (اسناد جلال دالوند؛ ستوده ۱۴۰۰: ۶۰۰/۱، ۳۰۱؛ مصاحبه با جمشید خسروی ۱۴۰۰/۹/۵) بعضی از این مالکان در چندین روستا دارای مزارع و املاک وسیعی بودند زیرا با ارتباطات سیاسی‌ای که با مراکز قدرت در تهران و یا منطقه برقرار می‌نمودند بر قدرت اقتصادی خود - که مهم‌ترین بعد آن مالکیت زمین بود - می‌افزودند.

۲.۲.۴ خرده مالکی

دهات خرده مالکی به روستاهایی گفته می‌شد که دارای بیش از یک مالک بود؛ ممکن بود خرده مالکان در ده به زراعت اشتغال داشته باشند و یا سهم خود را با شرایطی واگذار نمایند و طبق عرف محل سهم مالکانه (بر پایه مزارعه) دریافت دارند. (صفی نژاد، ۲۵۳۶: ۵) با این حال در خرده مالکی، مالکیت مشاع بود و دهقانان زمین را به صورت مشارکتی کشت نموده و محصول هم به نسبت تساوی بین خانوارها تقسیم می‌گردید. (لمبتون ۱۳۶۲: ۷۸۱) آنها در املاک خود کارهایی از قبیل تبدیل اراضی نامرغوب به زمین‌های قابل کشت، حفر نهر، ساخت پرچین اطراف باغ‌ها و کاشت نهال انجام می‌دادند. (فشاهی ۱۳۶۰: ۱۷۰) این اراضی بیشتر در قسمت کوه‌نشین لرستان متمرکز بودند؛ طبق اسناد محلی تیره‌هایی از طایفه دالوند (چکمه سیاه، نوماله، ایوانی و...) خرده مالکانی بودند که در هر روی میانی بر روی املاک خود به کشت و زرع می‌پرداختند. (اسناد جلال دالوند) هرچند فقدان نفوذ سیاسی، عدم سرمایه کافی برای توسعه کشت و کار و همچنین مالیات‌های گزافی که دولت از آنها درخواست می‌کرد، عوامل مهمی در عدم توسعه املاک خرده مالکی در این منطقه بود. (رک اشرف و بنوعیزی ۱۳۸۶: ۶۱)

۳.۴ مالکیت خالصه

املاک خالصه، زمین‌های حاصل خیز متعلق به دولت بود که منافع آنها نیز به دولت می‌رسید. (جمال زاده ۱۳۳۵: ۱۳۸) در اوایل حکومت قاجارها وسعت این اراضی تقریباً یک سوم اراضی قابل کشت کشور را دربر می‌گرفت. (کوزتسوا و دیگران ۱۳۸۶: ۶۱؛ فلور ۱۳۹۹: ۶۶) املاک خالصه در نواحی مختلف لرستان نیز وجود داشت به طوری که حداقل نیمی از زمین‌های زراعی منطقه وسیع کُرگاه در جنوب خرم‌آباد، قسمتی از منطقه الشتر، منطقه رباط در شمال خرم‌آباد، بخش‌هایی از سیلاخور و قسمتی از کوه‌دشت از جمله خالصجات لرستان در عهد ناصری بودند. (فرهنگ اصفهان ۱۲۹۸: ۴؛ جغرافیای لرستان ۱۳۹۵: ۶۶، ۵۰؛ قاسمی ۱۳۷۸: ۸۶؛ والی زاده معجزی ۱۳۹۶: ۶۹۰) این مناطق دارای حاصل خیزترین اراضی آبی و دیم بودند که در سال‌های پرباران و بدون آفت زدگی محصول، بازدهی خوبی داشتند.

خالصه‌ها از نظر واگذاری عایدات به سه دسته تقسیم می‌شدند: بعضی را مادام‌العمر یا برای مدتی کوتاه‌تر با حق انتقال به اشخاص واگذار می‌کردند که به خالصجات انتقالی یا واگذاری

معروف بودند نوع دوم که غالباً در مناطق عشایری وجود داشتند تیولی بودند و صاحبان آنها مکلف به تدارک عده‌ای سرباز بنیچه می‌شدند؛ نوع سوم خالصجات دیوانی بود که در تصرف کامل دیوان قرار داشت. (لمبتون ۱۳۶۲: ۴۲۶-۴۲۵) از خالصجات واگذاری در لرستان واگذاری املاک جایدر (جنوب غربی شهرستان پلدختر فعلی) از طرف ناصرالدین شاه به ظل السلطان - حاکم ولایات غربی - در سال ۱۳۰۱ق و واگذاری روستای اسبستان - واقع در منطقه کرگاه - به امام جمعه خرم‌آباد در سال ۱۳۰۹ق را می‌توان برشمرد؛ (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، سند ش: ۱۰۴۵-۷۶۸-۱۲م؛ ستوده، فرمان ناصرالدین شاه ۱۴۰۰: ۸۰۲/۱؛ ساکما، سند ش: ۰۰۵۴۵-۲۹۶) از خالصجات تیولی نیز می‌توان به واگذاری سه دانگ از روستای خالصه دیناروند (در منطقه کرگاه) توسط ناصرالدین شاه به مهرعلی خان سگوند - رئیس سواران سگوند - در سال ۱۳۰۹ق اشاره نمود. (ساکما، سند ش: ۴۶۲۲-۲۹۶) کسروی درباره‌ی این نوع خالصه‌ها می‌گوید:

بسیاری از آبادی‌ها به تیول داده شده بود؛ بدین سان که کسانی که از درباریان و از سرکردگان فوج و مانند این‌ها از دولت سالانه یا ماهانه گرفتندی، دولت به جای آن که خود یکسره پردازد، مالیات یک دیهی را به او واگذاری که خود از دیه‌نشینان بگیرد و این کسان چون سالیان دراز این کار را کرده بودند، آن دیه‌ها را از آن خود شمرند. (کسروی ۱۳۹۰: ۲۴۲)

افراد وابسته به دربار، روحانیون و سران ایلات از نظر سلسله مراتب اجتماعی از لایه‌های فوقانی و مرفه‌ای بودند که نفوذ سیاسی‌شان باعث کسب قدرت اقتصادی به ویژه در دستیابی به خالصه‌ها می‌گردید.

از عوامل تغییر مالکیت در اراضی خالصه، فروش آنها در عهد ناصری و تبدیل آنها به املاک خصوصی بود. چرا که کسری بودجه مزمن دولت از یک سو و از سوی دیگر تجاری شدن برخی از محصولات زراعی ایران همچون: تریاک، پنبه، توتون و تنباکو و... در بازارهای بین‌المللی که باعث بالا رفتن تقاضا برای به دست آوردن زمین زراعی جهت کاشت محصولات تجاری نزد برخی سرمایه‌داران و تجار شده بود، فضا را برای فروش این زمین‌ها از طرف دولت و جبران بخشی از کسری بودجه خویش آماده کرده بود.

نخستین بار میرزا ملکم خان طرح فروش املاک خالصه را به دهقانان در طرحی به دولت عرضه نمود. (آدمیت ۱۳۵۴: ۵۰-۴۹) اما به نتیجه نرسید تا این که از دهه‌ی ۱۲۹۰ق به بعد به دلیل نیاز دولت به پول نقد و به دنبال افزایش صادرات مقادیر زیادی از محصولات تجاری،

برخی از این زمین‌ها به متمولین فروخته شدند. (فوران ۱۳۹۰: ۱۹۰) به نظر می‌رسد یکی دیگر از عوامل فروش خالصه‌ها در لرستان عدم توجه کافی رعایا به کشت و زرع بود به طوری که در فرهنگ اصفهان می‌خوانیم:

سمت جنوب [خرم‌آباد] جلگه وسیعی که محل زراعت... است و از آب همین رودخانه زراعات صیفی و شتوی سیراب و بسیار خوب می‌شود لیکن چون رعایای الوار در عمل زراعت ربط کامل ندارند آن قسمی که باید از عهده برنمی‌آیند؛ دهات خالصه لرستان اغلب در همین جلگه است.... (فرهنگ اصفهان ۱۲۹۸: ۴)

از نظر سیف نیز فروش این زمین‌ها نوعی «خصوصی‌سازی بدوی» به شمار می‌رفت که شیوه‌ی اداره و مدیریت نامطلوب زمین و نرسیدن مالیات به خزانه‌ی دولت از دلایل عمده آن بود. (سیف ۱۳۸۷: ۲۲۵)

در پی فرمان ناصرالدین‌شاه در لرستان تعدادی از افراد ثروتمند به خرید خالصه‌ها روی آوردند: میرزا سیدرضاخان تفرشی (مستوفی لرستان) در اواخر عهد ناصری املاک خالصه روستای رباط (شمال خرم‌آباد) را خریداری نمود. (ستوده، نامه اتابک صدراعظم ۱۴۰۰: ۱۱۴۱/۲) چنانچه مالک از عهده آبادانی آنها برنمی‌آمد، مجدداً به حالت خالصگی در آمده و ضبط دیوان می‌شدند. (همان) فروش خالصه‌ها فی‌نفسه اقدامی مؤثر در جهت توسعه اقتصاد ارضی بود ولی از آنجا که خرید ملک نیازمند به سرمایه و پول است، قشر تولیدکننده اصلی که فاقد این عامل مهم بود از این رقابت بیرون می‌رفت و املاک توسط افرادی چون کارگزاران دولتی و یا قشر ارباب - تاجر خریداری می‌شد که صاحب سرمایه بودند از این رو چندان نمی‌توان فروش خالصجات در لرستان را در جهت توسعه و رشد نیروهای مولد ارزیابی نمود.

۴.۴ مالکیت وقفی

اراضی وقفی به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شدند؛ هدف از وقف عام تأمین مخارج امور عام‌المنفعه‌ای نظیر نگهداری اماکن متبرکه، مدارس، حوزه‌های علمیه، عزاداری‌ها، کمک به معیشت سادات و سایر طبقات مذهبی بود که یک نفر به عنوان متولی (معمولاً شخص روحانی) ناظر بر دخل و خرج آنها بود. (صفی‌نژاد ۲۵۳۵: ۵؛ لمبتون ۱۳۶۲: ۴۲۲، ۴۱۷) در عهد قاجار اراضی وقفی با عطایای مؤمنان رو به تزاید بود چون افزون بر دارا بودن از امتیاز امنیت از مصادره زورمندان، از مالیات نیز معاف بودند و در امور داخلی خود استقلال

مالکیت ارضی و نظام‌های بهره‌برداری ... (محمد دالوند و دیگران) ۱۱۷

کامل داشتند. (دالمانی ۱۳۷۸: ۸۹/۱؛ فساهی ۱۳۶۰: ۱۶۹) این استقلال به دلیل عدم نظارت دولت بر آنها بود که البته ممکن بود با سوء استفاده‌هایی از طرف متولیان اوقاف توأم گردد.

از روستاهای وقفی (عام) دوره ناصری در لرستان می‌توان به قریه شهنشاه - امامزاده‌ای در جنوب خرم‌آباد - و روستای جلدان با شش جفت زمین آبی موقوفه امامزاده زید بن علی، (نجم‌الدوله ۱۳۸۶: ۶۵؛ والی‌زاده معجزی ۱۳۹۶: ۵۰۶) اراضی وقفی روستاهای قاسم‌آباد، نغزان و گلیچرد (سمیعی ۱۳۸۲: ۲۸۹/۱) و روستای خمه بالا در منطقه جاپلق، اشاره نمود. (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۸: ۱۸۸۲/۴)

در وقف خاص، واقف افزون بر حفظ ملک از غصب شدن، جلوگیری از فروش و انتقال ملک در آینده و تضمین درآمد مستمر برای وراثت نیز می‌توانست از اهداف انجام این نوع وقف باشد. (شاگری ۱۳۸۴: ۶۸؛ سوداگر ۲۵۳۶: ۱۱۱) از زمینهای وقف خاص در لرستان در عصر ناصری می‌توان به وقف املاک اسدخان والی‌زاده در خرم‌آباد (مناطق پامنار، قربان‌خانی، میش‌آخور و...) اشاره نمود که وی آنها را، وقف اولاد ذکور خود نمود. (کمام، اسناد خاندان والی‌زاده، شماره کارتن: ۴۵۷)

با توجه به آنچه گذشت، به نظر می‌رسد مهم‌ترین تغییر در مالکیت ارضی دوره ناصری، توسعه املاک اربابی و کاهش وسعت خالصه‌ها بود. در واقع یکی از عوامل توسعه املاک اربابی در نیمه دوم دوره ناصری این بود که این اراضی در مقایسه با خالصه‌ها درآمد نسبتاً ثابتی داشتند و سودمندتر تلقی می‌شدند. (عبدالله‌یف، ۱۳۶۱: ۲۳۸) از این رو از دوره ناصری به بعد زمین‌های اربابی نه تنها به زیان زمین‌های خالصه بلکه به زیان زمین‌هایی که به طور سنتی ملک مشاع دهقانان بود، نیز به سرعت رشد کرد. (شاگری ۱۳۸۴: ۷۰) با توجه به تقدس سنت وقف به نظر می‌آید وسعت املاک وقفی عهد ناصری اندکی نسبت به دوره قبل افزایش یافته باشد.

۵. شیوه‌های تولید رایج در اقتصاد ارضی لرستان در عصر ناصری

۱.۵ شیوه تولید معیشتی

هدف از تولید معیشتی تأمین اقلام غذایی به ویژه غلات (گندم و جو) به منظور رفع نیازهای خانوار بود. این نوع شیوه معیشت یک اقتصاد بسنده و خودکفا داشت و به بازار و تجارت خارجی اتکایی نداشت زیرا شیوهی تولیدی بر پایه اقتصاد پولی نبود و در صورت برخورداری

از مازاد تولید، این مازاد یا در همان منطقه مبادله می‌شد و یا این که می‌بایست به صورت مالیات به خزانه دولت منتقل شود و به مصرف ارتش و دستگاه‌های بوروکراتیک دولت برسد. (رک فوران ۱۳۹۰: ۱۸۹؛ ولی ۱۳۸۰: ۳۴) براساس گزارش منابع، در لرستان افزون بر اطراف خرم‌آباد، در مناطق دیگری چون بروجرد، دشت سیلاخور، روستاهای منطقه‌ی هروی جنوبی و قسمت‌هایی از منطقه الشتر، خاوه، طرحان و مناطق دیگر، شیوه تولید معیشتی در اقتصاد ارضی معمول بود. (جغرافیای لرستان ۱۳۹۵: ۳۱، ۶۶؛ رزم‌آرا ۱۳۲۰: ۱۲۳، ۸۸، ۲۱۸)

۲.۵ شیوه تولید سرمایه‌داری

نوع دوم شیوه تولید در اقتصاد ارضی لرستان در عهد ناصری، شیوه تولید سرمایه‌دارانه بود که در قالب کشاورزی تجاری در اثر برخورد اقتصاد ایران با نظام جهانی سرمایه در اواسط قرن نوزدهم و تعاقبات آن پدیدار گشت و عمده تولید در آن به سمت تولید کالاهای پولی و تجاری با بازارهای خارج از منطقه به جای تولید محصولات مورد مصرف مردم منطقه و اطراف و کالاهای مشیعتی، سوق یافت.

تجاری شدن کشاورزی - که پیش از فروش خالصه‌ها آغاز شده بود- باعث شد که تعداد زیادی از تجار و بازرگانان شهرهای مختلف ایران سرمایه خود را به خرید زمین اختصاص دهند تا زیان‌های ناشی از انهدام صنایع دستی و کاهش ارزش پول را با کشت محصولات نقدینه‌آفرین جبران کنند. این مسئله خیلی زود به اقتصاد ارضی لرستان نیز تسری پیدا کرد به طوری که در بروجرد تعدادی از تجار چندین قطعه زمین بزرگ را خریداری نمودند (شاکری ۱۳۸۴: ۱۰۰) و بدین طریق کم‌کم در لرستان نیز مالکیت برخی از زمین‌هایی که قبلاً در اختیار دولت یا رهبران قبایل بود به تجار شهری و دیگر اقدار شهری سرمایه‌گذار در کشت محصولات نقدی انتقال یافت. از سوی دیگر، افزون بر رشد تولید محصولات نقدی، گرایش تجار به مشارکت سیاسی در این دوران نیز مشوق آنان جهت اکتساب زمین بود، از این راه آنها توانستند از سرمایه‌ی خود در زمین بهره ببرند و محصولات نقدی ارزشمندی تولید کنند همین امر آنان را قادر نمود تا جایگاه سیاسی خود را ارتقا دهند و از منافع خویش حفاظت کنند. (عبدالهیان ۱۳۹۲: ۲۶۷، ۲۶۲)

در پی تجاری شدن اقتصاد ارضی در مناطقی از لرستان مانند خرم‌آباد، بروجرد و منطقه سیلاخور، مالکان و طبقه تاجر ملاک جدید به کشت محصولات سودآوری چون خشخاش (تریاک)، پنبه، برنج و تنباکو روی آوردند. (بیشوب ۱۳۷۵: ۲۳۴؛ ستوده ۱۴۰۰: ۳۵۵/۱، ۶۲۸؛

ساکما، سند ش: ۰۰۰۵۴۵-۲۹۶) به نظر می‌رسد تغییر الگوی کشت و شیوه تولید، تغییراتی در مناسبات تولید معهود در منطقه ایجاد کرد که مهمترین آن رواج کار مزدوری در فرایند تولید سرمایه‌دارانه بود. بررسی نظام‌های بهره‌برداری از زمین در هردو شیوه تولید ذکر شده در اقتصاد ارضی لرستان می‌تواند ما را بیشتر با این تغییرات در مناسبات تولید ارضی این منطقه در عهد ناصری آشنا کند.

۶. نظام‌های بهره‌برداری از مالکیت ارضی لرستان در عهد ناصری

۱.۶ مزارعه

بیش‌ترین و مهمترین نظام بهره‌برداری مالکیت ارضی در لرستان که در هر دو شیوه تولید معیشتی و سرمایه‌دارانه در تقسیم مازاد تولید مورد استفاده مالک و زارع قرار می‌گرفت، مزارعه یا سهم‌بری بود. ارباب و رعیت در این عقد می‌بایست به سه شرط پایبند باشند: نخست حاصل بین مالک و زارع مشاع بود یعنی یکی از طرفین نباید حاصل را برای خود شرط می‌کرد دوم عقد مزارعه در مدت زمان یکسال یا یک سال و نیم تعیین می‌شد و سوم زمین مورد قرارداد مزارعه می‌بایست قابل زرع باشد. (خسروی ۲۵۳۵: ۶۸) و چهارم اینکه تقسیم محصول براساس میزان تسلط هریک از دو طرف معامله بر ابزار پنج‌گانه تولید مشخص می‌شد که در عرف لرستان به اشکال مختلف (نصفه‌کاری، بُر، سه یک، چهار یک و ...) بود.

در شیوه‌ی نصفه‌کاری- که در آن جفت‌گاو و کار از آن رعیت بود- ابتدا مالک یک پنجم محصول را برمی‌داشت و باقی‌مانده محصول به طور مساوی بین مالک و رعیت تقسیم می‌شد؛ ۵۰ درصد مالیات را هم مالک و ۵۰ درصد دیگر را رعیت می‌پرداخت. در روش سه یک بر، رعیت از مالک تمام عوامل تولید را دریافت می‌کرد که در این صورت نخست مالک یک پنجم محصول را در ازای استفاده از زمین به ارباب می‌پرداخت و باقی‌مانده محصول به سه قسمت تقسیم می‌شد، دو قسمت به مالک و یک قسمت هم به رعیت می‌رسید. در شیوه چهار یک که در برنج‌کاری مرسوم بود و بیشتر در شیوه تولید سرمایه‌دارانه کاربرد داشت، رعیت به جز نیروی کار چیزی برای ورود در فرایند تولید نداشت که در این صورت بندی تقسیم محصول فقط یک بیستم محصول از آن رعیت بود و مابقی به مالک می‌رسید در نوع سه یک بر و چهار یک، رعیت مالیات نمی‌داد. (سلطان‌زاده، بی‌تا: ۱۳۷) در لرستان شیوه چهار یک را «چاریک‌داری» می‌گفتند که براساس آن مالک، با استخدام کارگر زراعی چهار عامل تولید در

املاک آبی یعنی زمین، آب، بذر و گاو و در املاک دیمی با حذف عامل آب، سه عامل دیگر را در اختیار وی می‌نهاد تا به کشت و زرع بپردازد؛ در هنگام برداشت محصول نیز سهم زارع یک چهارم از محصول بود. (ایزدپناه ۱۳۷۶: ۱۲۲/۱)

باین حال مزارعه در همه مناطق کشور و حتی در تمام مناطق لرستان یکسان نبود و به عواملی چون کشت محصولات شتوی یا صیفی، آبی یا دیم بودن زمین، نوع آبیاری محصول (استفاده از آب قنات، چاه یا رودخانه)، حاصل خیزی زمین و حتی رسوم محلی بستگی داشت. (سوداگر ۲۵۳۶: ۱۳۰؛ ولی ۱۳۸۰: ۲۷۸؛ مؤمنی ۱۳۵۹: ۵۴) در میان رعایای منطقه پاپی در لرستان، خصوصاً در شیوه تولید معیشتی، اگر زمین دیم مالک، توسط رعیت با واگذاری عوامل سه‌گانه تولید (نیروی کار، بذر و گاو) به رعیت، کشت می‌شد در هنگام برداشت، محصول را به ده قسمت تقسیم می‌کردند دو دهم (یک پنجم) به خان و هشت دهم (چهار پنجم) به زارع می‌رسید؛ شیوه‌ای دیگر جهت تقسیم محصول بین طرفین در این منطقه وجود داشت که آن را «بُر» می‌گفتند که مباشر ارباب پانزده روز قبل از درو کردن محصول، آن را ارزیابی می‌نمود، در محصول آبی یک سوم و در محصول دیم یک پنجم را به نفع ارباب جدا می‌نمود. (پاپی بالاگریوه ۱۳۹۶: ۳۴۹-۳۴۸). در واقع «بُر» نوعی از مزارعه بود که ارباب به خاطر تأمین دو عامل تولید (زمین و آب) یک سوم محصول را تصاحب می‌نمود و زارع به خاطر تأمین بذر و گاو و نیروی کار دو سوم دیگر را می‌برد؛ در مواقعی که زمین آبی نبود و به صورت دیم کشت می‌شد، عامل آب حذف می‌گردید در نتیجه ارباب یک پنجم محصول (به اندازه همان یک ابزار تولید از پنج ابزار که در اختیارش بود) سهم می‌برد. به نظر می‌آید این نوع مناسبات خاص شیوه تولید معیشتی بود و به دلیل فراوانی محصول از نظر کمی و یا ارزان بودن آن نیازمند به مساحی دقیق نداشت.

در اسناد محلی لرستان نیز به کرات به وجود مناسبات تولید مزارعه اشاره شده است. به‌عنوان مثال در سال ۱۳۱۲ ق طبق قرارداد مزارعه بین اسدخان والی‌زاده (مالک) و آقاحسین زارع تقسیم محصول اراضی آبی جاباغ واقع در منطقه قبر مهتر خرم‌آباد بین ارباب و رعیت به صورت نصفه‌کاری بود یعنی پنجاه درصد محصول از آن مالک و پنجاه درصد دیگر متعلق به زارع بود چون مالک افزون بر زمین، آب را نیز در اختیار رعیت قرار می‌داد و رعیت نیز با احتساب عوامل بذر، گاو و نیروی کار هم نصف محصول را تصاحب می‌کرد؛ چنانچه مالک تنها زمین را در اختیار رعیت قرار می‌داد محصول براساس سه‌کوت (یک سوم ارباب و دو سوم رعیت) بین مالک و زارع تقسیم می‌گردید باین حال رعیت ملزم به پرداخت سَرِجِفَت

(اقلامی مانند روغن، هیزم، بزغاله و...) به مالک نیز بود. (کمام، اسناد خاندان والی‌زاده، شماره کارتن: ۴۵۷) از این رو چگونگی توزیع و تقسیم محصول بین مالک و زارع بستگی به مالکیت وسایل تولید داشت. اگرچه مزارعه تابعی از اراده ارباب بود ولی بر اساس عرف برای زارع نسبت به زمین و آب حقوقی دائمی به نام «نسق» یا «گاوبندی» ایجاد می‌نمود (خسروی ۲۵۳۵: ۷۸) که گرچه صاحب زمین نبود ولی وی را از دیگر قشرهای اجتماعی (مانند کارگران روزمزد یا خوش‌نشینان) ساکن روستا متمایز می‌نمود.

در منطقه سیلاخور و بروجرد توزیع محصول (دیم و آبی) در هر دو شیوه تولید بر اساس مدل سه‌کوت استوار بود. (مصاحبه با جمشید خسروی ۱۴۰۰/۹/۵) در این منطقه محصول آبی و دیم به یک نسبت تقسیم می‌شد و این شاید به این دلیل بود که در این مناطق دسترسی آسان به منابع آب رودخانه‌ها جهت کشت و زرع، اهمیت این عامل در فرایند تولید و متعاقباً تقسیم محصول را بسیار پایین‌تر از مناطق کویری یا مناطقی می‌آورد که آب آنها از قنات تأمین می‌شد. در مزارعه چنانچه رعیت به دلیل فقر و تنگدستی بذر مورد نیاز برای کشت زمین را در اختیار نداشت، مالک به وی بذر می‌داد و پس از برداشت محصول بذر خود یا قیمت آن را از کل محصول کسر می‌نمود؛ در سال ۱۳۱۲ق اسدالله‌خان والی‌زاده هشت خروار بذر گندم به یکی از رعایای خود تحویل داد به شرط آنکه در موسم برداشت محصول طبق نرخ معمول گندم از کل محصول کسر شود. (کمام، اسناد خاندان والی‌زاده، شماره کارتن: ۴۵۷) و مابقی محصول هم به سه قسمت تقسیم می‌شد. این در واقع نوعی حمایت و مساعده مالی بود که رعیت را به بازتولید امیدوار می‌نمود و نفع آن نصیب ارباب نیز می‌شد.

افزون بر املاک اربابی، مزارعه در اراضی خالصه نیز مرسوم بود چنانکه، کشت صیفی بود، نخست مباشر محصول درو نشده را ارزیابی می‌کرد، در صورتی که بذر از آن دولت بود آن را به نفع دیوان کنار می‌گذاشتند سپس یک دهم محصول برای رعیت برداشته می‌شد و در نهایت باقی‌مانده محصول بین رعیت و دولت به تساوی تقسیم می‌شد. در مورد تقسیم محصول زمستانه قاعده اندکی فرق می‌کرد زیرا بذر را رعیت می‌داد و در این صورت یک سوم محصول حق دیوان بود. (ملکم ۱۳۸۰: ۷۵۹-۷۵۸؛ جمال‌زاده ۱۳۳۵: ۱۴۰)

در لرستان نیز مناسبات مزارعه (با مدل سه‌کوت و چهارکوت) در تقسیم محصول در زمین‌های خالصه مرسوم بود به طوری که در خالصجات منطقه جایدر (منطقه‌ای در پلدختر فعلی) با نظارت کلانتر قلعه جایدر محصول زراعت آبی به سه‌کوت و کشت دیم به چهارکوت تقسیم می‌شد که از محصول آبی یک سهم حق دیوان و دو سهم از آن رعیت بود ولی از

محصول دیم سه قسمت حق رعیت و یک قسمت مال دیوان بود. (ستوده، سواد حکم مظفرالملک ۱۴۰۰: ۱/۵۳۳) افزون بر کلانتر، مباشرانی نیز از طرف حاکم برای تقسیم محصول املاک خالصه لرستان فرستاده می‌شدند تا در تقسیم محصول، حقوق دیوانی را ضبط کنند. (قاسمی ۱۳۷۸: ۸۶) در املاک خالصه نیز هم محصولات معیشتی و هم محصولات نقدینه‌آفرین همانند تریاک و پنبه، تولید می‌شدند.

اگر در میزان ارزش عوامل تولید تعمق کنیم، باید برای نیروی کار به عنوان عنصر آگاه در چرخه تولید ارزشی فوق دیگر عوامل تصور نمود؛ زیرا بدون وجود مدیریت و انجام کار فیزیکی و فکری وی دیگر عوامل تولید قادر به باز تولید نبودند در حالی که در مزارعه ارزش کار انسان با دیگر عوامل تولید برابر بود و این منجر به بهره‌کشی از رعیت و مسلماً عدم توسعه اقتصاد ارضی می‌گردید.

در شیوه تولید معیشتی و نظام بهره‌برداری مزارعه، وسایل تولید در مالکیت همه جامعه نبوده بلکه منحصراً در مالکیت افراد مشخص و متمایز از دیگران و یا در مالکیت گروه‌ها و طبقات اجتماعی خاصی قرار داشت و همین امر باعث ایجاد روابطی مبتنی بر استثمار انسان به وسیله انسان، انقیاد و وجود فرمانبر و فرمانروا می‌شد. (نیکی تین ۱۴۰۰: ۱۳) زیرا مالک با توجه به پراکندگی املاک خود و انحصار سرمایه و علاقه به اینکه همواره نیروهای تولیدی را از دستیابی به ابزار تولید و در نتیجه حضور در عرضه بازتولید با شرایط بهتر، جدا نگاه دارد، عملاً تمایلی به پیشرفت شیوه‌های فنی تولید؛ همچون نظام آبیاری، بهبود خاک و بذر و... نداشت که ماحصل این امر عدم پیشرفت نیروهای مولد بود. از سوی دیگر مزارعه منحصر به تقسیم محصول بین مالک و زارع نبود بلکه حق و حقوق افرادی که خدماتی را به مردم روستا ارائه می‌دادند (از قبیل صنعتگر روستا، دشتبان، کدخدا، میراب و حمامچی) را نیز دربرمی‌گرفت. (نوشیروانی ۱۳۶۱: ۲۰۷) کسر چنین خرده سهم‌هایی از مازاد تولید مانع انباشت سرمایه لازم جهت مشارکت بهتر نیروی کار در فرایند بازتولید می‌شد و امکان داشت در مواقعی چون خشکسالی و یا آفت‌زدگی و ... چون اندوخته‌ای برای رعیت موجود نبود، باعث بازدارندگی روند تولید و مهاجرت نیروهای مولد به دیگر مناطق گردد. یکی دیگر از عوامل مؤثر در عدم توسعه نیروهای تولیدی در مناسبات مزارعه اخذ انواع رسوم محلی و مالیات بود که پیش‌تر نیز درباره سرچفت به عنوان یکی از این رسومات ناعادلانه اشاره نمودیم. زارع افزون‌بر دادن بخش بزرگی از مازاد تولید به مالک یا دولت مجبور به پرداخت انواع مالیات ارضی یا حقوق دیوانی - که معادل عشر محصول که در مواقعی تا بیست الی بیست و پنج درصد آن

نیز می‌رسید - نیز بود؛ مالیات‌هایی چون تفاوت عمل، سیورسات، حق گله‌چرانی و ...
(نک: ملکم ۱۳۷۹: ۷۶۷، ۷۵۹؛ افشار ۱۳۸۲: ۸۰؛ کرزن ۱۳۷۲: ۵۶۲/۲؛ ستوده ۱۴۰۰: ۸۸۲/۱)

۲.۶ بنه‌بندی

این نوع از بهره‌برداری نسبت به دیگر مناسبات تولید گستردگی کمتری داشت و اغلب در شیوه تولید معیشتی مورد استفاده طرفین تولید قرار می‌گرفت. بنه‌بندی یا همان تولید مشارکتی و در اصطلاح محلی لرستان «قُرایی» هم در اراضی خرده‌مالکی و هم در اراضی اربابی معمول بود و به عواملی چون داشتن حق نسق دهقان، سکونت دائمی وی در ده، آگاهی او از فنون زراعت و موافقت ارباب یا نماینده‌ی وی بستگی داشت که مدت قرارداد آن یک سال زراعی بود و ممکن بود تا سال‌های متمادی ادامه یابد. (صفی‌نژاد ۲۵۳۶: ۱۱) مناسبات بنه‌بندی در اراضی اربابی در منطقه دشت نشین لرستان (بروجرد) مانند دیگر مناطق کشور مرسوم بود؛ اعضای واحد تولیدی بنه عبارت بودند از کارگران و صاحبان نیروی شخم که بذر، آب و بعضاً زمین خود را مشترکاً جهت کشت زمین به کار می‌گرفتند و سهم محصول سالانه را نیز بین خود تقسیم می‌کردند، سهم هر عضو نیز به نسبت داشتن نیروی انسانی، نیروی شخم، بذر، آب و زمین تعیین می‌شد و در روستاهایی که چهار عامل آخر متعلق به مالک بود مباشر، سهم وی را جمع‌آوری نموده و بر ارتباط روستاییان با بازارهای کمتر قابل دسترس شهری نظارت می‌نمود. (عبدالهیان ۱۳۹۲: ۱۹۹؛ آبراهامیان ۱۳۹۲: ۲۸) اما در نوع قُرایی که بیشتر در اراضی دیم منطقه کوهستانی لرستان معمول بود، خرده‌مالکان با عوامل تولید خود (نیروی کار، بذر و گاو) با مشارکت همدیگر به کشت و زرع می‌پرداختند و پس از برداشت محصول، حاصل تولید را به نسبت تساوی بین خود تقسیم می‌نمودند. (مصاحبه با میرحسین دالوند ۱۴۰۰/۱۰/۸) به عنوان نمونه؛ ملک چم قُرُق در خرم‌آباد تا سال ۱۳۰۶ ق بین چند تن از مالکان به نام‌های محمدصالح‌خان، احمدخان والی‌زاده و سایر ورثه‌ی نجف‌قلی‌خان مشاع بوده و به صورت مشارکتی یا بنه‌بندی کشت و زرع می‌گردید. (کمام، اسناد خاندان والی‌زاده، شماره کارتن: ۴۵۷) در عمل بنه‌ها بر مبنای دو عامل مشخص می‌شدند: در بعضی جاها بنه بر مبنای گردش آب یا تعداد سهام آب تعیین می‌شد و در جاهای دیگر جفت - مقدار زمینی که با یک جفت گاو می‌توان شخم زد - مبنای بنه بود. (ولی ۱۳۸۰: ۲۹۶)

۳.۶ اجاره‌داری

در مالکیت عشایری، زمین‌های عشایری، به نوعی زمین‌های دولتی به شمار می‌رفتند اما به صورت اجاره ابدی و به شکل خالصجات تیولی با شرط پرداخت مالیات به خزانه و انجام خدمت سربازی از سوی دولت به رؤسای ایلات واگذار می‌شدند. (کوزنتسوا و دیگران ۱۳۸۶: ۲۸۸) از این رو عشیره خان به سبب تسلط بر اراضی کشاورزی موقعیتی برتر از افراد ایل داشت و می‌توانست با استفاده از این امتیاز تقیداتی- اقتصادی یا غیر اقتصادی- بر دیگر افراد ایل تحمیل کند. (نعمانی ۱۳۵۸: ۴۷۰) از مناطق عشایری این دوره در لرستان می‌توان به منطقه هروی شمالی (منطقه ایل بیرانوند)، آبستان (منطقه ایل سگوند) و پاپی (منطقه ایل پاپی) اشاره نمود. (رک دالوند ۱۳۸۵: ۲۹/۱-۲۸) با این حال با توجه به خودمختاری نسبی خوانین این مناطق به نظر نمی‌رسد آنها اجاره‌ای به دولت می‌پرداختند.

در پاره‌ای از اسناد، افزون بر مناسبات مزارعه از اجاره دادن املاک اربابی (اجاره جنسی) در عهد ناصری نیز سخن به میان آمده است. به عنوان نمونه، در سال ۱۲۶۹ ق خانجان‌خان والی‌زاده از بزرگ مالکان منطقه چگنی (مزارع تشکین) املاک خود را در قبال دریافت جنس (محصول) به فردی اجاره داد به طوری که مستأجر موظف به پرداخت اجاره در موعد رسیدن محصول شده بود. (کمام، اسناد خاندان والی‌زاده، شماره کارتن: ۴۵۷) مسعود میرزا ظل‌السلطان از مالکان جاپلق نیز املاک خود را اجاره می‌داد به گونه‌ای که در اول سال «میز امینی» از طرف وی به سوی رعایا می‌رفت و اراضی او را به آنها اجاره می‌داد. (ظل‌السلطان ۱۳۶۳: ۲۵۱-۲۵۰) بعضی از محققان از این نوع اجاره‌ی زمین تحت عنوان «اجاره‌ی مزارعه‌ای» یا سهم‌بری محصول یاد کرده‌اند و برای اجاره‌ی پولی و کاری نقشی درجه دوم در مناسبات اجاره‌داری در عهد ناصری قائل شده‌اند. (نک: کوزنتسوا و دیگران ۱۳۸۶: ۷۵؛ ولی ۱۳۷۵: ۱۹۱) در روش اجاره‌داری هرچند مستأجر در موعد برداشت محصول، سهم ارباب را به جنس پرداخت می‌نمود و بخش مهمی از محصول را به وی می‌داد به همین خاطر شیوه سهم‌بری یا مزارعه در ذهن تداعی می‌گردد اما فرق عمده این نظام بهره‌برداری با مزارعه در این بود که تقسیم محصول در این مدل براساس مالکیت وسایل تولید نبود.

نظام بهره‌برداری اجاره‌ای در خالصه‌ها با املاک اربابی متفاوت بود بدین معنی که دولت این املاک را در لرستان به مدت سه الی پنج سال به مالکین بزرگ و متنفذین اجاره می‌داد؛ در این حالت زمین‌های خالصه از سوی دولت به مزایده گذاشته می‌شد و اجاره‌دار پس از برنده شدن در این رقابت تلاش می‌کرد حداکثر بهره‌برداری را از زمین بدست آورد بدون آنکه

حاصل خیزی زمین در آینده مطمح نظر او قرار گیرد. در اجاره‌داری، مستأجر املاک خالصه، افزون بر مالیات مقرر دیوانی، سالانه مال‌الاجاره را به صورت نقدی و جنسی پرداخت می‌کرد. (والی‌زاده معجزی ۱۳۸۰: ۶۷۲؛ لمبتون ۱۳۶۲: ۴۵۴؛ شمیم ۱۳۸۹: ۳۴۱-۳۴۰) بعضی از محققان برآنند که چنانچه تولیدکنندگان تحت معامله مستقیم با دولت قرار می‌گرفتند، اجاره‌املاک خالصه و مالیات یکی می‌شد یعنی مالیاتی متفاوت از اجاره‌ی زمین وجود نداشت. (نک: نعمانی ۱۳۵۸: ۸۲)

در سال ۱۲۷۰ق بسیاری از خالصجات سیلاخور به اجاره داده شدند؛ جلال‌الدین میرزا - نایب‌الحکومه بروجرد- جمع‌آوری اجاره این املاک را ابتدا به نورمحمدخان فرشباشی سپرد اما پس از چندی رسیدگی به این امور را به عهده‌ی میرزا خدارحم‌خان گذاشت. (وقایع‌الاتفایه ۱۲۷۰: ۱۰۸۵/۲) معمولاً اربابان زمین‌دار اراضی خالصه را اجاره می‌نمودند زیرا اجاره آنها در توان دهقانان و یا خرده مالکان نبود. به عنوان مثال؛ یکی از اجاره‌داران متنفذ منطقه در عصر ناصری، دیوان‌بینگی خرم‌آباد بود. وی در سال ۱۳۲۰ق املاک خالصه روستاهای چنگایی، باباعباس و دارایی را با فرمان صارم‌السلطنه از غلامرضاخان والی به مدت سه سال اجاره نمود. (رک فلور ۱۳۹۹: ۶۷؛ مؤمنی، سند اجاره ۱۳۸۷: ۲۱۰)

گمان می‌رود در اراضی خالصه، نظام اجاره‌داری نیز مانند مزارعه به زیان رعیت بود زیرا مورد سوءاستفاده‌هایی چون بیگاری و بی‌انصافی‌های اجاره‌دار قرار می‌گرفتند. اجاره‌دارانی که املاک خالصه را اجاره می‌نمودند با رعایایی که روی این املاک کار می‌کردند، سه نوع مناسبات داشتند: در حالت نخست پس از توزیع اراضی خالصه بین رعایا، براساس مزارعه، سهم یا سهم‌هایی از محصول (براساس میزان تسلط بر عوامل تولید) را به آنان پرداخت می‌کردند به طوری که خود متضرر نشده و افزون بر پرداخت حق‌الاجاره، سهم قابل ملاحظه‌ای نیز نصیب‌شان شود. در حالت دوم اراضی استیجاری را به چند رعیت با داشتن جفت‌گاو واگذار می‌کردند تا به صورت مشاع به کشت و زرع بپردازند؛ این شیوه که همان بنه‌بندی بود، در موسم برداشت محصول حق‌السهم هر یک از رعایا که برابر با دو سهم از کل محصول بود بین آنان تقسیم می‌شد و اجاره‌دار پس از پرداخت سهم آبیاری، مباشر و... باقی‌مانده محصول را خود برمی‌داشت. در شق سوم احتمالاً اجاره‌دار برای تولید محصولات نقدی به شیوه تولید سرمایه‌دارانه روی آورده و از کارگران روزمزد زراعی استفاده می‌کرد و مزد آنان را به صورت جنسی یا نقدی پرداخت می‌نمود؛ این شیوه تقسیم محصول، خاص قشر اجاره‌داران تاجر بود.

افزون بر املاک اربابی و خالصجات، اجاره‌داری در اراضی وقفی لرستان نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت به طوری که مهم‌ترین نظام بهره‌برداری از این املاک بود. در این شیوه، اراضی وقفی را به صورت کوتاه‌مدت و یا بلندمدت اجاره می‌دادند که در آنها اجاره‌ی کار معمولاً مکمل اجاره‌ی جنسی و یا اجاره‌ی پولی بود و مستقیماً فضای تولید را تحت تأثیر قرار نمی‌داد؛ در لرستان اراضی منطقه پشت بازار از سوی میرزا سیدرضاخان تفرشی -متولی املاک وقفی- به مدت نود و نه سال به رعایا اجاره داده شد که سهم متولیان در این مناسبات عشر محصول بود. (عیسوی ۱۳۶۲: ۳۳۹؛ مؤمنی ۱۳۸۷: ۱۸۹؛ لمبتون ۱۳۶۲: ۴۱۵) با توجه به معافیت مالیاتی املاک وقفی گمان می‌رود مازاد تولید در این املاک اندکی نسبت به دیگر انواع مالکیت ارضی بهتر بوده است با این حال امکان اجاره این املاک با توجه به محدودیت‌های عرفی برای همه زارعان فراهم نبود.

۴.۶ کار مزدوری

کار مزدوری ویژگی خاص اقتصاد کالایی و شیوه تولید سرمایه‌دارانه بود و از آنجا که بهای این محصولات به شکل نقدی در بازارهای محلی پرداخت می‌گردید، مالکان و اربابان سعی می‌کردند مزد کارگران و یا رعایا را به صورت جنسی یا نقدی پرداخت نموده تا سود حاصل از فروش یک جا نصیب خودشان شود. از این رو اگر اربابان زمین‌دار به دو دسته مالکان بومی و قشر ارباب -تاجر تقسیم کنیم، آنگاه می‌توان «کار مزدوری» را مناسبات تولید خاص زمین‌های گروه دوم که در پی کسب سود بیشتر در املاک خود بودند، دانست.

در کشاورزی تجاری ایران در عهد ناصری، محصولاتی چون پنبه، توتون و به ویژه تریاک، نیازمند شبکه وسیعی از نیروی کار انسان در سه مرحله تولید (کاشت، داشت و برداشت) بودند. تیغ زدن و جمع‌آوری تریاک با ابزار مخصوص که در ظرف یک هفته، چهار تا پنج نوبت انجام می‌شد، جمع‌آوری شیرها و خشک کردن آنها نیز نیازمند مشارکت و همکاری گسترده‌ای از نیروی کار بود. به نظر می‌رسد دلایلی چون عدم تخصص و مهارت برخی دهقانان و رعایا در تیغ‌زنی خشخاش، کمبود نیروی فعال در خانوارهای دهقانی جهت جمع‌آوری محصول پنبه، تریاک و توتون، عدم تمایل قشر ملاک -تاجر به تقسیم محصول به شیوه سهم‌بری و نقدی بودن محصولات تجاری، سبب گردید برخی از ملاکان جهت پیشبرد زراعت تجاری از نیروی انسانی روزمزد استفاده نمایند.

ابعاد کار مزدی یا مزدوری متأسفانه در منابع محلی چندان انعکاس نیافته از این رو در این زمینه به روایات معمرین توسل جسته‌ایم. به گفته ریش سفیدان محلی در منطقه سیلاخور، کار مزدوری افزون بر شیوه تولید معیشتی (اغلب در درو کردن گندم)، در شیوه تولید سرمایه‌داری (خصوصاً در تیغ زدن خشخاش) مرسوم بود و مزد کارگران به صورت نقدی و یا به شکل جنسی پرداخت می‌گردید. (مصاحبه با قدرت‌الله یاراحمدی ۱۴۰۱/۷/۳) گمان می‌رود، اصطلاح «برکار» در اقتصاد ارضی لرستان - که در روزگار ما نیز کاربرد دارد - اشاره به کارگران مزدبگیری داشت که در جمع‌آوری محصولات ملک اربابی یا خرده‌مالکی نقش داشتند و مزد آنان توسط دهقان، مالک و حتی گاهی از سهم رعیت پرداخت می‌شد. افزون بر اصطلاح برکار، طبق روایات افراد کهنسال محلی، در برداشت محصول پنبه در لرستان به تعداد زیاد از کارگران، «گل پنبه» می‌گفتند که حاکی از روزمزد بودن ایشان داشت. این اصطلاح در اقتصاد ارضی لرستان همچنان بر سر زبان‌ها جاری است.

محققان به حضور کارگران روزمزد در مزارع کشاورزی بروجرد نیز اشاره نموده‌اند (نک: احمدی طباطبایی ۱۳۸۴: ۵۴) که به نظر می‌رسد با توسعه کشاورزی تجاری در لرستان، مالکان یا قشر ملاک - تاجر جهت برداشت محصولات نقدینه‌آفرین از آنان استفاده می‌نمودند و با پرداخت حداقل دستمزد به نیروی کار، تمام محصول را با سود بالا برای خود برداشته و در بازار به فروش می‌رساندند.

۷. نتیجه‌گیری

در عصر ناصری، مالکیت‌های خصوصی و خالصه بیشترین وسعت را در انواع مالکیت در اقتصاد ارضی لرستان از نظر سطح زیر کشت و بازتولید داشتند. با توجه به تنوع نظام‌های بهره‌برداری در اقسام مختلف مالکیت که شامل مناسبات تولید مزارعه، بنه‌بندی و کار مزدی و اجاره‌داری بودند، مناسبات تولید غالب در اقتصاد ارضی لرستان در عهد ناصری، چه در شیوه تولید معیشتی و چه در شیوه تولید سرمایه‌دارانه، مناسبات تولید مزارعه با اشکال مختلف آن یعنی؛ نصفه‌کاری، سه‌کوت، چاریک‌داری و... بود؛ در این مناسبات به دلایلی چون از دست رفتن سهم زیادی از مازاد تولید به نفع مالک، ارباب و یا دولت، دادن بخشی از محصول به عنوان مالیات مستقیم و یا انواع مالیات‌های غیرمستقیم، ادای وام معیشت به ارباب و در نهایت برداشتن خرده‌سهم‌هایی از مازاد به نفع افراد غیرمولدی چون ملای ده، حمامی، دوره‌گرد، میراب، کدخدا و آسیابان، امکان انباشت سرمایه برای توسعه بازتولید برای دهقان و رعیت

به‌عنوان نیروی مستقیم کار، فراهم نبود. طرفین قرارداد در این نظام بهره‌برداری هیچکدام تمایلی به بهبود شیوه‌های فنی تولید نشان نمی‌دادند زیرا افزایش بازدهی زمین توسط رعایا در این مناسبات تولید سود چندانی را نصیب آنان نکرده و تازه ممکن بود باعث افزایش طمع زمین‌دار در مازاد تولید گردد؛ از سوی دیگر مالکان نیز حتی اگر سرمایه کافی برای بهبود تولید و توسعه عوامل تولید را داشتند، از ترس ایجاد انباشت برای مزارعین و بالا رفتن قدرت ایشان در تهیه وسایل تولید در دوره بعدی تولید که باعث می‌شد مرتباً سهم ارباب از محصول کمتر شود، تلاش چندانی در جهت رشد و توسعه نیروهای مولد نشان نمی‌دادند.

پی‌نوشت

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری «علل و فرایندهای تغییرات مناسبات تولید اقتصاد ارضی در لرستان از عهد ناصری تا پایان دوره رضاشاه» است.

کتاب‌نامه

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۴)، «فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران»، تهران: پیام.
- احمدی، بابک (۱۳۹۱)، «واژه‌نامه فلسفی مارکس»، تهران: مرکز.
- احمدی طباطبایی، علی محمد (۱۳۸۴)، «تاریخ مختصر ساسی و اجتماعی بروجرد»، ویراستاران مجتبی مقدسی و غلامرضا عزیزی، تهران: حروفیه.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۱)، «جامعه‌شناسی توسعه روستایی»، پلی کپی درسی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
- استنفورد، مایکل (۱۳۹۳)، «درآمدی بر تاریخ پژوهی»، ترجمه مسعود صادقی، تهران: سمت.
- اشرف، احمد و علی بنوعزیزی (۱۳۸۶)، «طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران»، ترجمه سهیلا ترابی فارسائی، تهران: نیلوفر.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۸)، «مرآت البلدان»، ج ۴، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.
- افشار، حسنعلی خان (۱۳۸۲)، «سفرنامه لرستان و خوزستان»، تصحیح و پژوهش حمیدرضا دلوند، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امان‌الهی بهاروند، سکندر (۱۳۶۷)، «کوچ نشینی در ایران»، تهران: آگاه.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۷۶)، «آثار باستانی و تاریخی لرستان»، ج ۳، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

مالکیت ارضی و نظام‌های بهره‌برداری ... (محمد دالوند و دیگران) ۱۲۹

- بهرامی، تقی (۱۳۳۰)، تاریخ کشاورزی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- بهرامی، روح‌الله (۱۳۸۸)، «سلسله‌الیمان لرستان»، تهران: حروفیه.
- پاپی بالاگریوه، مرادحسین (۱۳۹۶)، خانجان، قم: دارالنشراسلام.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۸۱)، «جامعه‌شناسی روستایی»، تهران: دانشگاه پیام نور.
- جغرافیای لرستان (۱۳۹۵)، «پیشکوه و پشتکوه»، به کوشش سکندر امان‌الهی بهاروند، خرم‌آباد: شاپورخواست.
- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۳۵)، «گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران»، برلین: چاپخانه کاویانی.
- خسروی، خسرو (۲۵۳۵)، «پژوهشی در جامعه روستایی»، تهران: پیام.
- دالمانی، هانری‌رنه (۱۳۷۸)، «از خراسان تا بختیاری»، ترجمه غلامرضا سمیعی، ج ۲ و ۱، تهران: طاووس.
- دالوند، حمیدرضا (۱۳۸۵)، «تاریخ انقلاب اسلامی در لرستان»، ج ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دالوند، حمیدرضا (۱۳۸۸)، «تاریخ و معماری دژ شاپورخواست»، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری.
- دوبد، کلمنت‌اوغاستس (۱۳۸۸)، «سفرنامه لرستان و خوزستان»، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: علمی و فرهنگی.
- راولینسون، سرهنری (۱۳۹۸)، «سفرنامه راولینسون»، ترجمه سکندر امان‌الهی بهاروند، تهران: آگه.
- رزم‌آرا، علی (۱۳۲۰)، «جغرافیای نظامی ایران (لرستان)»، تهران: ستاد بزرگ ارتش‌تاران.
- سلطان‌زاده، آواتیس (بی‌تا)، «اسناد تاریخی جنبش کارگری/ سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران»، به کوشش خسرو شاکری و دیگران، تهران: پادزهر.
- سمیعی، عزیزالله (۱۳۸۲)، دانشنامه رجال و حاکمان کمره و جاپلق، ج ۱، اراک: نوای دانش.
- سوداگر، محمد (۲۵۳۶)، «نظام ارباب رعیتی در ایران»، تهران: گلشن.
- سیف، احمد (۱۳۷۳)، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران: چشمه.
- سیف، احمد (۱۳۸۷)، «قرن گمشده» (اقتصاد و جامعه ایران در قرن نوزدهم)، تهران: نی.
- شاکری، خسرو (۱۳۸۴)، پیشینه‌های اقتصادی - اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی، تهران: اختران.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۸۹)، «ایران در دوره سلطنت قاجار»، تهران: بهزاد.
- صبوری، منوچهر (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی سازمان‌ها، تهران: شب‌تاب.
- صفی‌نژاد، جواد (۲۵۳۶)، اسناد بنه‌ها، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- ظل‌السلطان، مسعودمیرزا (۱۳۶۳)، «تاریخ سرگذشت مسعودی»، چاپ سنگی، تهران: یساولی فرهنگ.

۱۳۰ تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

- عبداللهیان، حمید (۱۳۹۲)، «نظام ارباب غایب در ایران»، ترجمه غلامرضا جمشیدیها و علیرضا صادقی، تهران: جامعه شناسان.
- عبداللهیان، حمید و سروه فتاحی (۱۳۹۱)، «تحلیل مقایسه ای نظام بهره برداری از زمین در کردستان و نظام بهره برداری گروهی (بنه) در دوره قبل از اصلاحات ارضی»، پژوهش های روستایی، سال سوم، شماره یکم، بهار.
- عبدالله یف، فتح الله (۱۳۶۱)، «روستاییان ایران در اواخر دوره قاجار»، ترجمه مارینا کاظم، کتاب مجموعه مقالات مسائل ارضی و دهقانی، تهران: آگاه.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، «تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار (۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه.ق)»، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- فشاهی، محمدرضا (۱۳۶۰)، «تکوین سرمایه داری در ایران» (۱۹۰۵-۱۷۹۶ م)، تهران: گوتنبرگ.
- فلور، ویلم (۱۳۹۹)، «کشاورزی ایران در دوره قاجار»، ترجمه شهرام غلامی، تهران: علمی و فرهنگی.
- فوران، جان (۱۳۹۰)، «مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)»، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قاسمی، فرید (۱۳۷۸)، «کارگزاران لرستان»، کتاب لرستان، ج ۱، به کوشش فرید قاسمی، تهران: حروفیه.
- کرزن، ن. جرج (۱۳۷۳)، «ایران و قضیه ایران»، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- کرمی، شایان و داریوش رحمانیان (۱۳۹۸)، «مالکیت اختصاصی در کرمانشاه (پهلوی اول)»، پژوهشنامه تاریخ های محلی ایران، سال هشتم، شماره اول، پیاپی ۱۵، پاییز و زمستان.
- کسروی، احمد (۱۳۹۰)، «تاریخ مشروطه ایران»، تهران: نگاه.
- کوزنتسوا، ن. آ و دیگران (۱۳۸۶)، «پژوهش هایی پیرامون تاریخ نوین ایران»، ترجمه سیروس ایزدی و میترا ایزدی، تهران: زوار.
- کوهن، آوین استانفورد (۱۳۸۱)، «تئوری های انقلاب»، ترجمه علیرضا طیب، تهران: قومس.
- گارتویت، جن راف (۱۳۷۳)، «تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری»، ترجمه مهراب امیری، تهران: سهند.
- لسترنج، گی (۱۳۷۷)، «جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی»، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
- لمبتون، ا.ک.س (۱۳۶۲)، «مالک و زارع»، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.
- نجم الدوله (۱۳۸۶)، سفرنامه دوم نجم الدوله به خوزستان، تصحیح و تحشیه احمد کتابی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نعمانی، فرهاد (۱۳۵۸)، تکامل فتوایلیسم در ایران، ج ۱، تهران: خوارزمی.

مالکیت ارضی و نظام‌های بهره‌برداری ... (محمد دالوند و دیگران) ۱۳۱

نوشیروانی، وحید (۱۳۶۱)، «سرآغاز تجاری شدن کشاورزی در ایران»، کتاب مجموعه مقالات مسائل ارضی و دهقانی، تهران: آگاه.

نیکی تین، پ (۱۴۰۱)، مبانی اقتصاد سیاسی، ترجمه ناصر زرافشان، تهران: آگاه.

مجد، محمدعلی (۱۴۰۰)، سفارت نامه فطن السلطنه، تصحیح و تحشیه ساسان والی‌زاده، خرم‌آباد: هاویر.

محمود میرزا قاجار (۱۴۰۰)، «سفرنامه مقصود جهان»، تصحیح و تعلیقات یدالله ستوده و محمد محمدی اصل، خرم‌آباد: شاپورخواست.

محمدی، شیوا و مظهر ادوای (۱۳۹۹)، «بررسی و تبیین روابط متقابل رعایا، مباشران و مالکان کردستان در دوره قاجار و پهلوی اول با استفاده از اسناد خاندان وزیری»، دو فصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال دهم، شماره دوم، پاییز و زمستان.

ملکم، سرجان (۱۳۸۰)، تاریخ کامل ایران، ج ۲، ترجمه اسماعیل حیرت، تصحیح محمد قمی‌نژاد، به کوشش علی اصغر عبدالهی، تهران: افسون.

مؤمنی، باقر (۱۳۵۹)، مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، تهران: پیوند.

مؤمنی، قدرت‌الله (۱۳۸۷)، پیشینه دادگستری و ثبت اسناد و املاک (با نگاهی به رویدادهای عصر قاجار و پهلوی در ایران و لرستان)، خرم‌آباد: شاپورخواست.

مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۷۸)، «لرستان در دایره‌المعارف اسلام»، ترجمه زروان لرستانی، کتاب لرستان، ج ۱، به کوشش فرید قاسمی، تهران: حروفیه.

والی‌زاده معجزی، محمدرضا (۱۳۸۰)، تاریخ لرستان روزگار قاجار، ویرایش حمیدرضا دالوند، تهران: حروفیه.

والی‌زاده معجزی، محمدرضا (۱۳۸۹)، نام‌آوران لرستان، به تصحیح مجتبی مقدسی، تهران: حروفیه.

والی‌زاده معجزی، محمدرضا (۱۳۹۶)، تاریخ ایلات و طوایف لرستان، به کوشش حسین والی‌زاده، خرم‌آباد: اردیبهشت جانان.

ولی، عباس (۱۳۷۵)، «تناقض‌های شیوه‌ی تولید آسیایی»، ترجمه پرویز صداقت، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۱۲-۱۱۱.

ولی، عباس (۱۳۸۰)، ایران پیش از سرمایه‌داری، ترجمه حسن شمس‌آوری، تهران: مرکز.

یاری، سیاوش و شایان کرمی (۱۳۹۹)، «نقش عوامل اقتصادی در اسکان عشایر غرب ایران (۱۳۲۰-۱۳۰۰)»، دو فصلنامه پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان.

اسناد

اسناد وزارت و پیشکاری میرزا سید رضاخان تفرشی و فرزندان (۱۴۰۰)، ج ۲ و ۱، به کوشش یدالله ستوده، خرم‌آباد: شاپورخواست.

اسناد ملکی جلال دالوند، لرستان، زاغه.

کمام، (کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)، اسناد خاندان والی‌زاده، شماره کارتن ۴۵۷.

۱۳۲ تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

ساکما، (سازمان اسناد و کتابخانه ملی)، سند شماره: ۴۶۲۲-۲۹۶، ۰۰۵۴۵-۲۹۶.

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، سند شماره: ۱۰۴۵-۷۶۸-۱۲م.

روزنامه وقایع‌الانفاسیه، ۲۹ رجب ۱۲۷۰، شماره ۱۶۹.

روزنامه وقایع‌الانفاسیه، ۷ رمضان ۱۲۷۱، شماره ۲۲۵.

روزنامه فرهنگ اصفهان، ۱۹ صفر ۱۲۹۸، شماره ۸۲.

روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۶ صفر ۱۲۹۸، شماره ۸۳.

مصاحبه با آقای جمشید خسروی، لرستان، بروجرد، ۱۴۰۰/۹/۵.

مصاحبه با آقای میرحسین دالوند، لرستان، زاغه، ۱۴۰۰/۱۰/۸.

مصاحبه با آقای قدرت الله یاراحمدی، لرستان، خرم‌آباد، ۱۴۰۱/۷/۳.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی